

گزیده

الاتقان في علوم القرآن

مشمول بر ۲۴ بحث علوم قرآنی مطابق با سرفصل

مقطع کارشناسی رشته علوم قرآنی

جلال الدین سیوطی

(۸۴۹-۹۱۱ق)

تهیه و تنظیم

سید محمود دشتی



تهران

۱۳۸۴

گزیده الاتقان فی علوم القرآن

تهیه و تنظیم: دکتر سید محمود دشتی



ناشر: هستی نما، چاپ: پاسدار اسلام، صحافی: برهان
چاپ اول، بهار ۱۳۸۴، لیتوگرافی: غدیر، شمارگان: ۱۶۰۰،
قیمت: ۳۰۰۰ تومان، ۳۸۴ صفحه، شابک: ۹۶۴-۸۲۱۴-۱۸-۲
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشانی: تهران، ص - پ: ۷۵۳ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۱۵۲۱۰۳۸

تلفکس: ۰۲۱-۶۹۱۴۷۶۵

توزیع: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۰۶۴

E-mail: Hastinama@mail.com

سیوطی

[الاتقان فی علوم القرآن. برگزیده]

گزیده الاتقان فی علوم القرآن: مشتمل بر ۲۴ بحث علوم قرآنی مطابق با...
جلال الدین سیوطی؛ تهیه و تنظیم سید محمود دشتی - تهران: هستی نما، ۱۳۸۴.
۳۶۰ + ۲۴

ISBN 964-8214-18-2

۳۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه بصورت زیر نویس.

۱. مسائل ادبی. ۲. قرآن - مسائل لغوی. ۳. قرآن - علوم قرآنی. ۴. قرآن - صرف
و نحو. الف. دشتی، محمود، ۱۳۴۶ - گردآورنده. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵۳

BP ۸۲/س ۹۱۴

۱۳۸۴

مقدمه

عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین السيوطی امام، حافظ، مورخ، ادیب و فقیه. ولادت او در شب یک شنبه اول رجب سال ۸۴۹ ق در اسبوط مصر اتفاق افتاد و به سال ۹۱۰ یا ۹۱۱ ق در سحرگاه روز جمعه نوزدهم جمادی الاولی در قاهره درگذشت. سیوطی خود درباره تولد، کودکی و تحصیلاتش در کتاب حسن المحاضره نوشته است: تولد من بعد از مغرب شب یک شنبه اول ماه رجب سال هشتصد و چهل و نه اتفاق افتاد. در زمان حیات پدرم مرا به نزد شیخ ابو محمد مجذوب که از بزرگان اولیا و مجاور مشهد حسینی بود بردند تا با انفاس و دعاهايش مرا متبرک سازد. من یتیم بزرگ شدم، قرآن را پیش از رسیدن به هشت سالگی حفظ کردم. سپس العمود و منهاج الفقه و نحو را از جمعی از استادان فراگرفتم و فن فرائض^۱ را از قرصی زمانش علامه شیخ شهاب الشار مساحی آموختم. در سال ۸۶۶ (۱۷ سالگی) اجازه تدریس عربی را گرفتم و در همین سال نخستین کتابم را به نام شرح الاستعاذه و البسمله تالیف کردم.

در فقه ملازم علم الدین بلقینی شدم و پس از درگذشت وی ملازم پسرش شدم... وی از سال ۸۷۶ به من اجازه تدریس و افتاء داد. در سال ۸۷۸ با درگذشت پسر بلقینی

۱. فن فرائض دانش تقسیم ارث و تسلط در احکام آن است و قرصی کسی است که در این فن استاد باشد.

ملازم شیخ الاسلام شرف الدین منادی شدم و تفسیر بیضاوی را از او فرا گرفتم. در حدیث و عربی به مدت چهار سال ملازم علامه تقی الدین شبلی حنفی گشتم و با درگذشت وی، ۱۴ سال ملازم شیخ مان استاد الوجود علامه محیی الدین کافجی شدم و از او فنون تفسیر، اصول عربیت، معانی و غیره فرا گرفتم. به کشورهای شام، حجاز، یمن، هند، مغرب و النکرور مسافرت کردم و چون به حج رفتم از آب زمزم به نیت چند امر نوشیدم: یکی آن که در فقه به مرتبه حافظ ابن حجر برسم....

سیوطی هم چنین می نویسد:

من در هفت علم تبحر یافتیم: تفسیر، حدیث، فقه، نحو، معانی، بدیع و بیان به روش عرب ها و بلیغان نه به سبک عجم و اهل فلسفه. و چنین عقیده دارم که در این علوم - به استثنای فقه و منقولاتی که آموخته ام - به مرتبه ای رسیده ام که هیچ یک از استادانم هم نرسیده اند، تا چه رسد به دیگران.

سیوطی در حسن المحاضره تالیفات خود را نیز بر شمرده است که تا زمان تالیف حسن المحاضره به حدود سیصد کتاب رسیده بوده است. به جز آن چه را که شسته و از نوشتن اش توبه کرده بود. اما برو کلمان تالیفات سیوطی را اعم از مطبوع و مخطوط ۴۱۵ اثر دانسته و ابن ایاس تالیفات وی را حدود ششصد اثر دانسته است.

وی هم چنین نوشته است که منزلت والای سیوطی و کثرت فتواها و مصنفات اش مایه رشک و حسادت هم عصران اش شد و او را در معرض تهمت ها قرار داد از جمله او را متهم کرده اند که کتاب های کتاب خانه محمودیه را به دست آورده و پس از کم و زیاد، و پس و پیش کردن، آن ها را به خودش نسبت داده است.

سیوطی در کنار اشتغالات علمی و تالیف و تصنیف، منصب های مختلفی نیز پذیرفته است. مدتی منصب افتاء را عهده دار شد. دورانی در مدرسه شیخونیه و سپس در مدرسه بیرسیه به تدریس پرداخت و در نهایت در منزلش «الروضه» در کنار رود نیل عزلت گزید و تمام اوقات خود را به عبادت و تصنیف اختصاص داد و کتاب التنفیس عن الفتا و التدریس که نشان از کناره گیری سیوطی از منصب افتاء و تدریس می دهد را تالیف کرد.

الاتقان دایرة المعارف قرآنی

همان گونه که اشاره شد سیوطی هم دارای تالیفات فراوانی است و هم در شاخه ها و فنون مختلف صاحب اثر است. از میان تالیفات متنوع سیوطی بخش قابل توجهی به حوزه علوم قرآن و تفسیر اختصاص دارد، و از مشهورترین این آثار الاتقان فی علوم القرآن می باشد.

بی تردید سیوطی را باید نام وورترین دانشمند علوم قرآنی به شمار آورد و اثر وی الاتقان فی علوم القرآن مشهورترین و در عین حال جامع ترین اثر علوم قرآنی است که به حق یک دایرة المعارف علوم قرآنی می باشد. این کتاب که حاصل دوران پختگی و کمال سیوطی می باشد در حقیقت آمیخته ای از مباحث و سبک دو کتاب علوم قرآنی دیگر است، یکی مواقع العلوم من مواقع النجوم برادر استادش جلال الدین بلقینی و دیگری البرهان فی علوم القرآن بدرالدین زرکشی. سیوطی در مقدمه الاتقان درباره انگیزه و دغدغه هایش برای تالیفی در زمینه علوم قرآنی که به تالیف الاتقان منتهی شده است چنین می نویسد:

در زمان دانش جوئیم از دانش مندان پیشین تعجب می کردم که چرا آن گونه که نسبت به علم حدیث کتاب های مختلف تدوین کردند، درباره انواع علوم قرآنی کتاب تدوین نکردند. اما از استادم محیی الدین کافجی شنیدم که گفت من درباره علوم تفسیر کتابی نوشته ام که در این باره کسی بر من پیشی نگرفته است. من نسخه ای را از روی آن برای خودم نوشتم. مطالب آن کتاب - که البته حجمی بسیار کم داشت - در دو باب خلاصه می شد. در باب اول درباره معنای تفسیر، تاویل، قرآن، سوره و آیه، و در باب دوم درباره شرایط تفسیر به رای بحث شده بود. و بعد از آن دو باب، خاتمه ای داشت درباره آداب عالم و متعلم. اما این کتاب هرگز تشنگی مرا درباره علوم قرآن شفا نبخشید و مرا به مقصود راه نبرد.

تا این که استاد دیگرم علم الدین بلقینی مرا از وجود کتاب دیگری در زمینه علوم قرآن که برادرش جلال الدین بلقینی تالیف کرده بود و آن را مواقع العلوم من مواقع النجوم نام گذاشته بود، آگاه کرد. من آن را تالیفی لطیف و مجموعه ای

ظریف یافتیم که دارای ترتیب و تقریر و تنويع و تحبیر بود. بلقینی کتابش را به شش بخش تقسیم کرده بود و در هر بخش چند نوع از انواع علوم قرآن را به بحث گذاشته بود که مجموعاً به بیش از ۵۰ نوع می‌رسید به این شرح:

بخش اول درباره جایگاه‌های نزول و اوقات وقایع آن بود، مشتمل بر ده نوع: مکی، مدنی، سفری، حضری، لیلی، نهاری، صیفی، فراشی، نومی، اسباب نزول، اول ما نزل و آخر ما نزل.

بخش دوم درباره سند قرآن مشتمل بر شش نوع: متواتر، آحاد، شاذ، قرائات پیامبر، راویان و حافظان.

بخش سوم درباره ادا کردن قرآن و مشتمل بر شش نوع: وقف و ابتداء، اِمالة، مد، تخفیف همزه و ادغام.

بخش چهارم درباره الفاظ قرآن و مشتمل بر هفت نوع: غریب، معرب، مجاز، مشترک، مترادف، استعاره و تشبیه.

بخش پنجم درباره معانی متعلق به احکام و مشتمل بر چهارده نوع: عام باقی بر عمومش، عام مخصوص، عامی که از آن خاص اراده شده، مواردی که آیات قرآن موجب تخصیص سنت شده است، مواردی که سنت موجب تخصیص آیات قرآن شده است، مجمل، مبین، مؤول، مفهوم، مطلق، مقید، ناسخ، منسوخ و نوعی از ناسخ و منسوخ که یکی از مکلفین مدتی به آن عمل کرده و سپس نسخ شده باشد.

بخش ششم درباره معانی متعلق به الفاظ، مشتمل بر پنج نوع: فصل، وصل، ایجاز، اطناب و قصر.

بلقینی هم چنین در مقدمه کتابش از انواع دیگری از علوم قرآن یاد کرده است که تحت حصر و شماره در نمی‌آید و آن‌ها عبارتند از: اسماء، کنیه‌ها، القاب و مبهمات.

سیوطی می‌افزاید: پس از دست یابی به این کتاب که بلقینی بسیار مختصر بحث کرده بود، کتابی را در باب علوم قرآن تألیف کردم و آن را التجبیر فی علوم التفسیر نامیدم و همه مطالب و انواع کتاب بلقینی را در آن آوردم و انواع دیگری را نیز خود بر آن افزودم، تا در ایجاد این علم - یعنی علوم قرآن -

دومین نفر باشم. این کتاب مشتمل بر ۱۰۲ نوع از علوم قرآن است و تالیف آن در سال ۸۷۲ قمری به پایان رسیده است، یعنی زمانی که هنوز عمر سیوطی از ۲۳ سال فراتر نرفته بود؛ اما گویا این تالیف سیوطی را قانع نکرده بود و او با تردید در اندیشه تالیفی مبسوط‌تر به سر می‌برد، تا این که به البرهان زرکشی دست یافت، و پس از مطالعه آن عزم خود را جزم کرده و الاقتان فی علوم القرآن را تألیف می‌کند تا مقدمه‌ای باشد برای تفسیر بزرگش موسوم به مجمع البحرين و مطلع البدرین که اکنون در میان تألیفات سیوطی دیده نمی‌شود. سیوطی خود در این باره چنین نوشته است:

پس از تألیف التاجیر فی علوم التفسیر که برخی از صاحبان تحقیق که در طبقه استادان من بودند نسخه‌ای از روی آن برای خود نوشتند، به ذهنم خطور کرد که کتابی مبسوط و منضبط در این باره تألیف کنم و همه مطالب را در آن استقصاء کنم. در همین حین بود و در حالی که هنوز مردد بودم به این نیتم جامه عمل بپوشانم، با خبر شدم که امام بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی کتابی جامع و شامل در این باره تألیف کرده است به نام البرهان فی علوم القرآن. من آن قدر آن را جستجو کردم تا بدستش آوردم و با مطالعه آن شادمانیم دو چندان شد و خدای را بسیار سپاس گفتم و عزم را جزم کردم تا آنچه را در دل پنهان می‌داشتم آشکار سازم. نتیجه آن تألیف این کتاب عظیم الشأن و پرفایده (الاقتان) بود. که من انواع آن را مناسب‌تر از ترتیب البرهان تنظیم کردم یعنی بعضی از انواع آن را در یکدیگر ادغام کردم و آن انواعی که می‌بایست از یکدیگر جدا و تفکیک شود و در البرهان تفکیک نشده بود، در این کتابم آنها را از یکدیگر تفکیک کردم. و مطالب زیادی را نیز به آن افزودم و آن را الاقتان فی علوم القرآن نامیدم و مقدمه‌ای برای تفسیر بزرگم که به تالیف آن شروع کرده‌ام و آن را مجمع البحرين و مطلع البدرین نامیده‌ام، قرار دادم.^۱

کتاب الاقتان در هشتاد نوع تنظیم شده است و سیوطی در مقدمه مهم‌ترین منابع خود در تألیف این کتاب را برشمرده و معرفی کرده است. هم چنین فهرستی از انواع سه

کتاب التحیر، البرهان و الاتقان را گزارش کرده است.

مجموعه منابعی که سیوطی در تألیف الاتقان از آن‌ها بهره برده است و در مقدمه یا لابلای مباحث کتاب از آن‌ها نام برده است به حدود ۵۵۰ منبع می‌رسد. و بدین ترتیب تألیف الاتقان سبب حفظ بخشی از میراث علوم قرآنی گذشتگان شده است که بدون این تألیف، آن میراث امروز به دست ما نمی‌رسید.

کتاب حاضر

با ایجاد گرایش علوم قرآن و حدیث در ضمن رشته‌های تحصیلی دانشگاهی و تدوین برنامه و سرفصل‌های این رشته، کتاب الاتقان فی علوم القرآن با توجه به جایگاه ممتاز و ارزشمندش، به عنوان اصلی‌ترین متن درس‌های علوم قرآنی معرفی شد. با وجود گذشت سال‌ها از تأسیس این گرایش و تدوین و تألیف ده‌ها کتاب آموزشی هنوز الاتقان از جایگاه رفیعی برخوردار است و در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مختلف کشور این کتاب متن اصلی آموزشی شمرده می‌شود. این جانب که خود سال‌هاست به تدریس مباحث علوم قرآنی در دانشکده‌های مختلف اشتغال دارم، بر این باورم که این کتاب به جهاتی چند از جمله جامعیت مباحث، کهن بودن، عربی بودن متن، و قابل نقد بودن، نباید از برنامه‌های درسی و متون آموزشی حذف شود، با این حال این اعتقاد را هم دارم که متون آموزشی که در این سال‌های اخیر تدوین شده‌اند نیز بسیار ارزشمندند و در آموزش‌های علوم قرآنی باید به جد مورد استفاده قرار گیرند، اما نه به عنوان متن اصلی و محوری، بلکه به عنوان متون ارجاعی و کمکی.

به هر روی با توجه به جایگاه الاتقان در نظام آموزشی دانشگاه‌های کشور بنا به دلایل ذیل بر آن شدم تاگزیده‌ای از آن را جهت استفاده عموم به ویژه دانشجویان عزیز به صورت مستقل در دسترس قرار دهم:

۱. با همه امتیازاتی که الاتقان دارد اما همه مباحث آن به یک اندازه از ارزش و اهمیت برخوردار نیست و اصولاً برخی از مباحث آن هیچ ضرورتی و یا فایده قابل توجهی جهت تدریس ندارد به علاوه آن که برخی مباحث آن در تاریخ قرآن و یا

تاریخ تفسیر به صورت جامع تر به بحث گذاشته می شود. و شاید به همین دلیل در سر فصل های برنامه درسی نیز چیزی حدود بیست بحث از هشتاد بحث الاتقان در نظر گرفته شده است.

۲. همان طور که اشاره شد حدود بیست بحث الاتقان جهت تدریس در نظر گرفته شده است در حالی که این چیزی بیش از $\frac{1}{4}$ حجم الاتقان است، این امر از یک سو و بهای نسبتاً بالای الاتقان از سوی دیگر سبب شده که دانشجویان و هم استادان این درس غالباً به تهیه جزوه درسی اکتفا کنند. چیزی که ماندگاری آن برای دانشجو تا پس از امتحان و یا حداکثر تا پایان دوره تحصیل بوده و پس از آن غالباً مورد استفاده قرار نمی گیرد.

۳. حجم واحدی که برای مباحث علوم قرآنی از الاتقان در نظر گرفته شده ۱۲ واحد است، این حجم بالای واحد درسی و اکتفای به جزوه های ناماندگار گاه اعتراض به حق دانشجویان را برمی انگیزد که چرا نباید یک متن مستقل به صورت کتاب تدوین یا تنظیم شود؟ این اعتراض ها و انتقادات تنظیم کتاب حاضر را ضروری می نمود.

۴. دلیل دیگری که تنظیم این اثر را ضروری می ساخت این بود که تکثیر جزوه های درسی غالباً با تأخیر چند هفته ای از آغاز ترم آماده می شد و عملاً آموزش و تدریس مباحث را در اوایل هر ترم با مشکل مواجه می ساخت.

امتیازات کتاب حاضر

این جانب بر آن شد تا به دلایل فوق و دلایلی دیگر به تنظیم این اثر مبادرت ورزد و تا اندازه ای خلأ موجود در متن آموزشی علوم قرآن را پر کند. این اثر که مشتمل بر حدود ۲۴ مبحث از مباحث علوم قرآنی الاتقان می باشد از امتیازات ذیل برخوردار است.

۱. این مباحث به صورت یک کتاب و به عنوان یک منبع درسی مستقل برای دانشجو قابل استفاده و ماندگار است و نقص های جزوه درسی را ندارد.

۲. مباحث مورد نظر در علوم قرآن از حالت پراکندگی درآمده و مطابق با سرفصل

برنامه درسی در سه باب و به دنبال هم تنظیم شده است که هر باب به ارزش چهار واحد آموزشی است و در طول یک ترم آموزش داده می‌شود.

۳. افزون بر این، چهار مبحث دیگر شامل: اعجاز قرآن، قسم‌های قرآن، مثل‌های قرآن و جدل قرآن که از مباحث مهم علوم قرآنی است و در برخی دانشکده‌های علوم قرآنی در برنامه درسی گنجانده شده و یا احیاناً به دلیل اهمیت‌شان، در طرح سؤال‌های آزمون ورودی کارشناسی ارشد مورد نظر بوده است، نیز در باب مستقلی در انتها آورده شده است تا کتاب حاضر برای این دسته از طالبان نیز سودمند باشد.

۴. در پایان هر باب نمونه‌هایی از سؤال‌های تستی مربوط به آن باب ضمیمه شده است تا سبب آشنایی دانشجویان با شیوه طرح سؤال‌های تستی هر باب شود، و ضمن آشنایی آن‌ها با روش مطالعه مباحث، به آماده شدن آن‌ها جهت شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد کمک کند.

لازم به یادآوری است که سؤال‌ها گزینش شده همان سؤال‌های آزمون ورودی کارشناسی ارشد در سال‌های گذشته می‌باشد که از مسلسل سؤال‌های پردازش علوم قرآنی و حدیث استخراج شده است.

۵. از آن جاکه این اثر در آغاز ترم در دسترس دانشجویان قرار دارد و مشکل تأخیر چند هفته‌ای در تکثیر و آماده سازی را ندارد، می‌تواند به کمیت و کیفیت مباحث تدریس شده در هر ترم کمک کند به علاوه این که دانشجویان مشکل تهیه جزوه علوم قرآن در هر ترم را نخواهد داشت.

امید است تنظیم این اثر گامی کوچک در تهیه و تنظیم متون درسی باشد و مقبول خدای مهرگستر مهربان، و اهل نظر افتد. و من الله التوفيق واليه انيب.

دانشگاه اراک

سید محمود دشتی

۸۳/۱۱/۲۰

فهرس الموضوعات

الباب الاول

٣	الفصل الاول: فيما وقع بغير لغة الحجاز
٣	أمثلة مما نقل عن العلماء في ذلك
٥	ماورد بلغة كثانة
٦	ماورد بلغة هذيل
٧	ماورد بلغة حمير
٨	ماورد بلغة جرهم
١٠	ماورد بلغة أزدشنوه
٩	ماورد بلغة مذجع
١٠	ماورد بلغة خثعم
١٠	ماورد بلغة قيس عيلان
١٠	ماورد بلغة سعد العشيرة
١١	ماورد بلغة كندة
١١	ماورد بلغة عذرة
١١	ماورد بلغة حضر موت
١١	ماورد بلغة غسان
١٢	ماورد بلغة مزينة
١٢	ماورد بلغة لخم
١٢	ماورد بلغة جذام
١٢	ماورد بلغة بنى حنيفة
١٢	ماورد بلغة اليمامة
١٢	ماورد بلغة سبأ
١٣	ماورد بلغة سليم
١٣	ماورد بلغة عمارة
١٣	ماورد بلغة طيء
١٣	ماورد بلغة خزاعة

١٣		ماورد بلغة عمان
١٣		ماورد بلغة تميم
١٤		ماورد بلغة انمار
١٤		ماورد بلغة الأشعرين
١٤		ماورد بلغة الأوس
١٤		ماورد بلغة الخزرج
١٤		ماورد بلغة مدين
١٤		عدد اللغات التي في القرآن
١٥		ماورد بلغة همذان
١٥		ماورد بلغة ثقيف
١٥		ماورد بلغة عك
١٦		فائدة
١٧		الفصل الثاني: فيما وقع فيه بغير لغة العرب
١٩		أقوال العلماء في هذا الشأن
٢٢		الألفاظ الاعجمية الواردة في القرآن
٣١		الفصل الثالث: في معرفة الوجوه والنظائر
٣١		أقوال العلماء في هذا الشأن
٣٢		أمثلة مماورد من الألفاظ ذات الوجوه
٣٢		الهدى
٣٣		السوء
٣٤		الصلاة
٣٤		الرحمة
٣٥		الفتنة
٣٦		الروح
٣٦		القضاء
٣٧		الذكر
٣٨		الدعاء
٣٨		الإحصان
٣٨		فصل عن ابن فارس في الألفاظ الأفراد
٤٣		فرع في ذكر قواعد في هذا الشأن

٤٥	الفصل الرابع: في معرفة معاني الادوات التى يحتاج إليها المفسر
٤٦	الهمزة
٤٧	فائده
٤٨	أحد
٤٩	إذ
٥٠	فائده
٥١	مسأله
٥٢	إذا
٥٤	تنبيهات
٥٦	خاتمه
٥٦	إذا
٥٧	تنبيهان
٥٨	أف
٥٩	أل
٦١	مسأله
٦١	خاتمه
٦١	ألا
٦٢	الأ
٦٢	إلا
٦٣	فائده
٦٣	الآن
٦٤	إلى
٦٥	تنبيه
٦٥	اللهم
٦٥	أم
٦٧	تنبيهان
٦٧	أما
٦٨	تنبيه
٦٨	إما
٦٨	تنبيهات
٦٩	إن
٧٠	فائدة

٧١	فائدة
٧١	أَنَّ
٧٤	إِنَّ
٧٤	أَنَّ
٧٥	أَنَّى
٧٥	أَوْ
٧٧	تنبيهات
٧٨	فائده
٧٨	أَوَّلَى
٧٩	إِى
٧٩	أَى
٨٠	إِنَّا
٨٠	أَيَّانَ
٨١	أَيْنَ
٨١	الباء المفردة
٨٤	فائده
٨٤	بَلْ
٨٤	بَلَى
٨٥	بِشْ
٨٥	بَيْنَ
٨٦	التاء
٨٦	تَبَارَكَ
٨٦	تَعَالَى
٨٦	تَمَّ
٨٧	فائده
٨٧	تَمَّ
٨٨	جَعَلَ
٨٨	حَاشَ
٨٩	حَتَّى
٩٠	مَسْأَلَهُ
٩٠	تَنْبِيْهِ
٩١	فائده

٩١	حيث
٩١	دُون
٩٢	ذو
٩٢	رويدا
٩٣	رُبَّ
٩٣	السين
٩٤	سوف
٩٤	سواء
٩٥	سَاء
٩٥	سبحان
٩٦	ظن
٩٧	على
٩٧	فائده
٩٨	تنبيه
٩٨	عن
٩٨	تنبيه
٩٩	عسى
١٠٠	تنبيه
١٠١	عند
١٠٢	غير
١٠٣	الفاء
١٠٤	في
١٠٥	قد
١٠٧	الكاف
١٠٨	تنبيه
١٠٨	مسأله
١٠٨	كاذ
١٠٩	فائده
١٠٩	كان
١١٠	كأنَّ
١١٠	كأئن
١١١	كذا

١١١	كَلَّ
١١٢	مَسَّاهُ
١١٣	كَلَّا وَكَلْنَا
١١٣	كَلَّا
١١٤	كَمْ
١١٥	كَيْ
١١٥	كَيْفَ
١١٥	الْأَمَّ
١١٩	لَا
١٢٠	تَنْبِيْه
١٢١	فَائِدَهُ
١٢١	لَات
١٢١	لَا جَرَمَ
١٢٢	لَكِنْ
١٢٢	لَكِنَّ
١٢٢	لَدَى وَلَدُنْ
١٢٣	لَعَلَّ
١٢٣	لَمْ
١٢٣	لَمَّا
١٢٥	لَنْ
١٢٦	لَوْ
١٢٧	فَائِدَهُ
١٢٧	فَائِدَةُ ثَانِيَةٍ
١٢٨	فَائِدَةُ ثَالِثَةٍ
١٢٨	تَنْبِيْه
١٢٩	لَوْلَا
١٣٠	فَائِدَهُ
١٣٠	لَوْ مَا
١٣٠	لَيْتَ
١٣٠	لَيْسَ
١٣١	مَا
١٣٣	فَائِدَهُ

١٣٤	ماذا
١٣٤	متى
١٣٥	مع
١٣٥	من
١٣٧	فائده
١٣٧	من
١٣٨	مهما
١٣٨	النون
١٣٨	التنوين
١٤٠	نَعَمْ
١٤٠	يَعَمْ
١٤٠	الهاء
١٤٠	ها
١٤٠	هات
١٤١	هل
١٤١	هلم
١٤١	هنا
١٤٢	هيت
١٤٢	هيهات
١٤٢	الواو
١٤٤	ويكان
١٤٥	ويل
١٤٥	يا
١٤٥	تنبه

١٤٧	الفصل الخامس: في المحكم والمتشابه
١٤٧	أقوال العلماء في هذا الشأن
١٤٩	فصل في ذكر اختلاف القول حول امكان معرفة المتشابه
١٥٥	فصل في ذكر المتشابه من آيات الصفات
١٥٦	اقوال العلماء في تأويل بعض الالفاظ المشبهة التأويل القرآن
١٥٦	تأويل «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»

١٥٧	تأويل كلمة «النفس»
١٥٨	تأويل كلمة «الوجه»
١٥٨	تأويل كلمة «العين»
١٥٨	تأويل كلمة «اليد»
١٥٩	تأويل كلمة «الساق»
١٦٠	تأويل كلمة «الجَنب»
١٦٠	تأويل بعض صفات الله في القرآن
١٦١	تنبيه
١٦٢	فصل في تأويل المتشابه من أوائل السور
١٧٠	خاتمة في الفرق بين المحكم والمتشابه
١٧٠	الحكمه في انزال المتشابه
١٧٣	نمونه سؤالات تستى

الباب الثاني

١٧٩	الفصل الاول: في مقدمه ومؤخره
١٧٩	ذكر بعض الايات الواردة في هذه الشأن وما قيل فيها
١٨١	ذكر اسباب التقديم وأسبراره
١٨٦	تنبيه
١٨٧	الفصل الثاني: في عامه وخاصه
١٨٧	العام وصيغه
١٨٨	فصل في العام واقسامه
١٩٠	المخصص وانواعه
١٩٢	فصل في ماكان مخصصا لعموم السنة
١٩٣	فروع متشورة تتعلق بالعموم والخصوص
١٩٥	الفصل الثالث: في مجمله ومبينه
١٩٥	اسباب الاجمال
١٩٦	فصل في اقسام التبيين
١٩٨	تنبيه: ذكر الخلاف حول بعض الايات في هذه الشأن
٢٠٠	تنبيه في الفرق بين اللفظ المجمل والمحمّل

٢٠١	الفصل الرابع: في مطلقه ومقيده
٢٠١	ضابط كل من المطلق والمقيد
٢٠١	متى يحمل المطلق على المقيد؟
٢٠٢	تنبيهات
٢٠٣	الفصل الخامس: في منطوقه ومفهومه
٢٠٣	المنطوق وانواعه
٢٠٤	دلالة الاقتضاء والاشارة
٢٠٤	فصل في المفهوم وانواعه
٢٠٦	فائده
٢٠٧	الفصل السادس: في حقيقته ومجاز
٢٠٦	اقوال العلماء في هذا الشأن
٢٠٧	المجاز العقلى
٢٠٨	المجاز في المفرد وانواعه
٢٢٠	فصل في انواع مختلف في عدها من المجاز
٢٢١	فصل فيما يوصف بانه حقيقة ومجاز باعتبارين
٢٢٢	فصل في الواسطة بين الحقيقة والمجاز
٢٢٢	خاتمه في مجاز المجاز
٢٢٣	الفصل السابع: في تشبيه واستعاراته
٢٢٣	اقوال العلماء في هذا الشأن
٢٢٤	ذكر اقسام التشبيه
٢٢٧	قاعده دخول اداة التشبيه على المشبه والمشبه به
٢٢٧	قاعده في التشبيه في حالتى المدح والذم
٢٢٨	فائده في تشبيه شيئين بشيئين
٢٢٨	فصل: الاستعارة
٢٢٩	فرع: اركان الاستعارة وأقسامها بحسب الاركان
٢٣١	أقسامها باعتبار اللفظ
٢٣١	تقسيمها إلى مرشحة ومجردة ومطلقة
٢٣٢	تقسيمها إلى تحقيقية، وتخيلية ومكنية وتصريحية
٢٣٢	تقسيمها إلى وفاقية وعنادية

٢٣٣	تنبيه في الاستعارة بلفظين
٢٣٣	فائدة في انكار الاستعارة
٢٣٤	فائدة ثانية في مفاضلة بين الاستعارة والتشبيه
٢٣٤	خاتمه في الفرق بين الاستعارة والتشبيه المحذوف الاداة
٢٣٧	الفصل الثامن: في كنيائته وتعريضه
٢٣٧	تعريف الكناية واسبابها
٢٤٠	الإرداف
٢٤١	فصل في الفرق بين الكناية والتعريض
٢٤٣	الفصل التاسع: في الحصر والاختصاص
٢٤٣	انواع الحصر
٢٤٤	فصل في طرق الحصر
٢٤٩	تنبيه في ذكر افادة الحصر عند تقديم المعمول
٢٥٣	نمونه سؤالات تستي

الباب الثالث

٢٦٣	الفصل الاول: معرفة سبب النزول
٢٦٣	ذكر الكتب المؤلفة في هذا الموضوع
٢٦٣	المسألة الاولى: الفوائد المترتبة على معرفة اسباب النزول
٢٦٥	المسألة الثانية: هل العبرة بعموم اللفظ أو بخصوص السبب؟
٢٦٧	المسألة الثالثة: قد تنزل الآيات على الاسباب الخاصة
٢٦٨	المسألة الرابعة: في طريق معرفة أسباب النزول
٢٧٠	تنبيه
٢٧٠	المسألة الخامسة: في ذكر اسباب متعددة لنزول آية واحدة
٢٧٤	تنبيه في خطأ الراوي في اطلاق «فَتَزَلْ» على «فَتَلَا»
٢٧٥	تنبيه في ذكر سبب واحد لنزول آيات متعددة
٢٧٦	تنبيه
٢٧٧	الفصل الثاني: في ناسخه ومنسوخه
٢٧٧	ذكر بعض العلماء الذين ألفوا في هذا النوع
٢٧٧	ذكر مسائل تتعلق بالنسخ

٢٨١	ذكر بعض الايات المنسوخه
٢٨٢	من البقره
٢٨٢	من آل عمران
٢٨٢	من النساء
٢٨٣	من المائدة
٢٨٣	من الانفال
٢٨٣	من براءة
٢٨٣	من النور
٢٨٤	من الاحزاب
٢٨٤	من المجادلة
٢٨٤	من الممتحنة
٢٨٤	من المزمل
٢٨٥	فوائد منثورة في هذا الباب
٢٨٦	تنبيه في ايراد اقوال لبعض العلماء في النسخ
٢٨٩	تنبيه في انكار نسخ الرسم والتلاوة
٢٩١	تنبيه
٢٩٣	الفصل الثالث: في مناسبة الآيات والسور
٢٩٣	ذكر المؤلفات واقوال العلماء في هذا الشأن
٢٩٤	فصل: سرد بعض الايات وذكر المناسبات في ترتيبها
٢٩٨	قاعده: الامر الكلي لعرفان مناسبات الايات في جميع القرآن
٢٩٨	تنبيه: ذكر بعض الايات التي اشكلت مناسبتها
٣٠٠	فصل: تناسب فواتح السور وخواتمها
٣٠٣	فصل: افتتاح السور بالحروف المقطعة
٣٠٥	فصل: مناسبة أسماء السور لمقاصدها
٣٠٥	فوائد منثورة في المناسبات
٣٠٧	الفصل الرابع: في الايات المشتبهات
٣٠٧	المصنفات التي وضعت في هذا الشأن
٣٠٨	ذكر بعض الايات المشتبهات وتوجيه تأويلها
٣١٢	نموه سؤالات تستى

الباب الرابع

٣١٩	الفصل الأول: في إعجاز القرآن.....
٣١٩	ذكر العلماء الذين ألفوا في هذا الشأن.....
٣١٩	نبذ من أقوال العلماء في الأعجاز.....
٣٢٢	فصل في اهتمام العلماء بذكر وجوه الإعجاز.....
٣٣٢	تبيهات:.....
٣٣٢	الأول: في ذكر اختلاف العلماء في القدر المعجز من القرآن.....
٣٣٣	الثاني: في اختلافهم في طريقة فهم الإعجاز.....
٣٣٣	الثالث: اختلافهم في تفاوت مراتب الفصاحة في القرآن.....
٣٣٣	الرابع: ذكر الحكمة في تنزيه القرآن عن الشعر.....
٣٣٤	الخامس: في انحصار وقوع التحدى للناس أم للجن أيضا.....
٣٣٤	السادس: كلام الغزالي في معنى الاختلاف الذي نفى من القرآن.....
٣٣٥	السابع: هل غير القرآن من كلام الله معجز كالنوراة والانجيل.....
٣٣٦	الثامن: في أن القرآن أحسن الحديث وأفصحه.....
٣٣٧	التاسع: هل يمكن المعارضه في السور القصار.....
٣٣٩	الفصل الثاني: في أمثال القرآن.....
٣٣٩	نبذ من أقوال العلماء في هذا الشأن.....
٣٤٠	فصل: ذكر أقسام أمثال القرآن.....
٣٤٢	الامثال الكامنه في القرآن.....
٣٤٣	قائده: ذكر بعض ألفاظ القرآن التي جرت مجرى المثل.....
٣٤٧	الفصل الثالث: في أقسام القرآن.....
٣٤٧	معنى القَسَم في القرآن.....
٣٤٨	ذكر بعض الآيات التي أقسم الله فيها بنفسه في القرآن.....
٣٤٨	ذكر الآيات التي أقسم الله فيها بمخلوقاته.....
٣٤٩	قول ابن القيم في القسم بأمور على أمور.....
٣٥١	من لطائف القسم في القرآن.....
٣٥٣	الفصل الرابع: في جدل القرآن.....
٣٥٣	نبذ من أقوال العلماء في هذا الشأن.....
٣٥٦	فصل في ذكر السير والتقسيم.....
٣٥٩	نموه سؤالات تستي.....